

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه الزهراء(س)

دانشکده ادبیات، زبانها و تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان

خواندمیر: زندگی، تکاپوهای سیاسی و روش تاریخنگاری

استاد راهنما

دکتر مهدی فرهانی منفرد

استاد مشاور

دکتر عبدالله عطایی

دانشجو

شهناز مسلمی

بهمن ماه سال ۱۳۸۸

تقدیم به:

پدر و مادرم که همواره در امر تحصیل یاورم بودند.

چکیده

دوران تیموری علی رغم ضعف سیاسی، عصر رشد فرهنگی و توجه ویژه به مورخان و وقایع نگاران بود. از جمله تاریخ نویسان دوره مذکور غیاث الدین خواندمیر هروی بود. در این پایان نامه سعی بر این است که با نقد و بررسی آثار وی به جایگاه خواندمیر در تاریخ نویسی قرن نهم و دهم پی ببریم و به تبیین این مسئله بپردازیم که فعالیت های سیاسی خواندمیر، شرایط سیاسی و فرهنگی دوران وی چه تاثیری در رشد و تکامل تاریخنگاری وی داشته است. پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع و مطالعات جدید تدوین یافته است.

حمایت های سیاسی حکومتگران و حامیان خواندمیر به ویژه امیر علیشیر نوایی منجر به تکامل و تحول تاریخنگاری وی شد. بیشتر توجه وی در آثارش به امور سیاسی بوده است. از جریان های سیاسی بحث می کند که در منابع دیگر آن دوره نیامده است. امور فرهنگی نیز در سایه موارد فوق مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب که در مورد شرح رویدادها سکوت می کند و از ذکر احوال مخالفان حکومتگران و همچنین حامیان خود چشم پوشی می کند. واژگان کلیدی: خواندمیر، روش های تاریخنگاری، عصر تیموری، عصر بابر، حبیب السیر.

فهرست مطالب

مقدمه

۱	فصل اول: مبانی تحقیق
۱	۱-۱- مسئله پژوهش
۳	۱-۲- پرسش های پژوهش
۳	۱-۳- فرضیات پژوهش
۴	۱-۴- تعریف واژه های تحقیق
۴	۱-۵- اهداف پژوهش و ضرورت آن
۵	۱-۶- روش تحقیق
۵	۱-۷- پیشینه پژوهش
۹	فصل دوم: تحولات و شرایط سیاسی دوران خواندمیر
۹	۲-۱- تیموریان هرات
۱۸	۲-۲- صفویان - شیبانیان
۲۲	۲-۳- تیموریان هند
۲۶	فصل سوم: تحولات و شرایط فرهنگی دوران خواندمیر
۲۶	۳-۱- تیموریان هرات
۳۴	۳-۲- تیموریان هند
۳۷	فصل چهارم: زندگی و تکاپوهای سیاسی خواندمیر
۳۷	۴-۱- خاندان، زمان و مکان تولد
۴۱	۴-۲- خواندمیر و حکومت تیموریان هرات
۴۴	۴-۳- خواندمیر و حکومت های شیبانیان - صفویان
۵۰	۴-۴- خواندمیر و حکومت تیموریان هند
۵۳	۴-۵- مرگ خواندمیر
۵۵	۴-۶- آثار و تالیفات خواندمیر
۶۹	فصل پنجم: روش های تاریخنگاری خواندمیر
۶۹	۵-۱- سیر تاریخنگاری درایران

۶۹	۱-۱-۵- بررسی اجمالی تاریخنگاری ایران از آغاز تا عصر تیموریان
۷۴	۲-۱-۵- تاریخنگاری ایران در عصر تیموریان
۸۲	۲-۵- روش تاریخنگاری خواندمیر
۸۴	۳-۵- بینش تاریخی
۹۲	۴-۵- بررسی شکلی
۹۲	۱-۴-۵- دیباچه نویسی - اختتامیه نویسی
۹۴	۲-۴-۵- طرح مقدمه قبل از واقعه
۹۶	۳-۴-۵- سبک نگارش
۹۸	۴-۴-۵- القاب و عناوین مورد استفاده
۱۰۱	۵-۴-۵- استفاده از آیات قرآنی
۱۰۲	۶-۴-۵- استفاده از اشعار و ماده تاریخ
۱۰۵	۷-۴-۵- مثل ها و حکایات تاریخی
۱۰۷	۵-۵- بررسی محتوایی
۱۰۷	۱-۵-۵- موضوع تاریخنگاری
۱۰۷	۱-۱-۵-۵- مطالب سیاسی
۱۱۶	۲-۱-۵-۵- مطالب اقتصادی و اجتماعی
۱۱۹	۳-۱-۵-۵- مطالب فرهنگی
۱۲۱	۲-۵-۵- شیوه های تنظیم مطالب
۱۲۳	۳-۵-۵- صحت اخبار
۱۳۱	۴-۵-۵- اغراق در اخبار
۱۳۳	۵-۵-۵- ابهام در اخبار
۱۳۶	۶-۵-۵- جهت گیری در اخبار
۱۴۹	۷-۵-۵- تناقض در اخبار
۱۵۴	۸-۵-۵- تکرار اخبار
۱۵۶	۹-۵-۵- دقت و جزئی نگری در اخبار
۱۵۹	۱۰-۵-۵- عبرت آموزی در اخبار
۱۶۰	نتیجه گیری
۱۶۳	فهرست مآخذ

مقدمه

قرن نهم و دهم هجری دوران آشفتنگی سیاسی، تعدد حکومت ها و دربارها، نزاع شاهزادگان با یکدیگر، حملات اقوام خارجی، مشکلات معیشتی مردم و... بود. علی رغم اوضاع سیاسی، سلاطین تیموری از امیر تیمور تا سلطان حسین بایقرا توجه ویژه ای به ادب و هنر ایران زمین نشان دادند، اوج رونق فرهنگی را می توان دوران سلطان حسین بایقرا (حک: ۸۷۳-۱۴۶۸/۹۱۱-۱۵۰۵) مشاهده کرد. وی تلاش زیادی برای حمایت های مادی و معنوی از صاحبان علم، هنر و ادب انجام داد. البته در موفقیت های سلطان، امیرعلیشیرنویسی نیز نقش بسزایی داشت. بدین صورت که نوایی در حمایت از هنرمندان، ساخت مدارس و کتابخانه ها تلاش بسیاری کرد. بدین ترتیب هرات به مرکز فرهنگی تبدیل شد که دنباله رواج آن به عصر صفویه رسید. شایان ذکر است که در دوران سلطان حسین زمینه مساعدی برای رشد تاریخنگاری و به خصوص تاریخنگاری اختصاصی به وجود آمد.

تواریخ فوق اکثرأبه دست منشیان درباری نوشته شد. چون آن ها در متن رویدادهای سیاسی شرکت داشتند، آثارشان از نظر تاریخی بسیار ارزشمند است. موضوع این پژوهش بررسی جایگاه تاریخنگاری غیاث الدین خواندمیر هروی در تاریخنگاری دوره تیموری (هرات و هند) و صفوی است. به طور طبیعی برای تبیین این جایگاه باید آثار وی بخصوص تاریخ حبیب السیر که مهم ترین تاریخ اختصاصی آن دوره است، مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار بگیرد. این پایان نامه قصد دارد که درباره سبک تاریخنگاری خواندمیر، میزان تاثیرپذیری آثار وی از تکاپوهای سیاسی، به جهت این که خواندمیر جزء منشیان درباری حکومت های تیموریان هند، شیبانیان و صفویان بود بپردازد. همچنین به بررسی شرایط سیاسی، فرهنگی پرداخته و انعکاس موارد فوق را در تاریخ نویسی مورد ارزیابی قرار دهد. به دلیل این که اولاً دوره فتوحات و لشکرکشی تیمور با مرگ وی به پایان رسید و ثانیاً دوره تیموریان یکی از ادوار فرهنگی- هنری

تاریخ ایران بوده است، در زمان خواندمیر یکی از شخصیت های فرهنگی - سیاسی به نام امیرعلیشیرنویبی بود که جریان های سیاسی و فرهنگی عصر خود را رهبری می کرد و تاثیر بسزایی در تاریخنگاری وی داشت.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است که با استفاده از روش مقایسه‌ای به مقایسه همانندی‌ها و اختلاف های آثار خواندمیر با منابع دیگر پرداخته شود تا از این رهگذر جایگاه خواندمیر در تاریخنگاری دوره تیموری - صفوی روشن شود.

این رساله در بردارنده پنج فصل است: فصل اول تعیین مبانی تحقیق است. در این فصل مساله پژوهش، سوالات، فرضیات، تعریف واژه های تحقیق، اهداف و پیشینه پژوهش معرفی می گردد. سوال اصلی پژوهش این است که تحولات سیاسی و فرهنگی خواندمیر چه نقشی در تحولات تاریخنگاری وی داشته‌است؟ در این راستا فصل دوم با عنوان شرایط سیاسی عصر خواندمیر، اولاً تاکید بر عدم انسجام و ثبات سیاسی دارد و مصادیق آن معرفی می گردد. ثانیاً صلح، امنیت و آرامش نسبی و دادگری در طی دوران حکومت حسین بایقرا منجر به رشد فرهنگ و هنر شد. فصل سوم به بررسی تحولات فرهنگی عصر خواندمیر می پردازد. حمایت های فرهنگی حکومت هایی چون تیموریان هرات و هند باعث جذب عالمان و نویسندگان از نقاط دیگر به هرات و دهلی شد. در فصل چهارم به زندگی خواندمیر و پیوند او با حکومتگران تیموری هرات، شیبانی، صفوی و تیموریان هند پرداخته می شود. در این بین حمایت های امیرعلیشیرنویبی، امیرغیاث الدین محمد بن امیر یوسف حسینی صدر و قاضی خراسان، خواجه حبیب الله ساوجی وزیر دورمیش خان در هرات در شکل گیری و تکامل تاریخنگاری خواندمیر نقش بسزایی داشتند. در قسمت دوم این فصل به معرفی آثار خواندمیر پرداخته می شود. گفته خواهد شد که آغاز تاریخ نویسی خواندمیر با کتاب مآثر الملوک بود که در واقع نوعی اندرزنامه محسوب می شد و پایان آن با کتاب قانون همایونی که نوعی تاریخ دودمانی بود همراه بود.

فصل پنجم با عنوان روشهای تاریخنگاری خواندمیرشامل یک مقدمه و یک بخش اصلی است. مقدمه با نام تاریخنگاری درایران شامل دو قسمت تاریخنگاری قبل از عصر تیموری و تاریخنگاری دوره تیموری می باشد. از آن جا که خواندمیر پرورده عصر تیموری بود، نگارنده به معرفی تاریخ نگاری عصر صفوی پرداخته است. در بخش اصلی روش های تاریخنگاری خواندمیر به ویژگی های اصلی آن پرداخته که شامل دوبرخس محتوایی و شکلی است. قبل از بررسی شکلی آثار خواندمیر به تعیین روش تاریخنگاری خواندمیر (توصیفی و تحلیلی) و نگاه وی به دانش تاریخ و چگونگی تحلیل رویدادهای تاریخی اشاره خواهد شد. در نقد شکلی مسائل دیباچه نویسی، اختتامیه نویسی (که به شکل مقایسه ای در آثارش بیان شده است)، طرح مقدمه قبل از شروع واقعه، سبک نگارش، القاب و عناوین مورد استفاده، استفاده از آیات قرآنی، اشعار، مثلها و حکایات تاریخی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. هدف اصلی بخش محتوایی تاثیر شرایط سیاسی و فرهنگی دوران مورخ و تاثیر آن در تاریخ نویسی وی و همچنین بیان نقاط قوت و ضعف کتاب می باشد. همین طور اینکه تاچه حد مطالب آثار خواندمیر به خصوص کتاب حبیب السیر (مجلد چهارم) دقیق است و به چه میزان می توان به عنوان یک منبع اصلی در عصر تیموری و صفوی به آن اعتماد کرد؟ که این بخش حاوی میزان توجه مورخ به مطالب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شیوه تاریخنگاری (جهانی و دودمانی)، صحت اخبار برای پی بردن به میزان امانت و صداقت نویسنده و مقایسه با منابع پیشین و معاصر خواندمیر، اغراق و ابهام در اخبار، جهت گیری در اخبار (از نظر سیاسی، فرهنگی و مذهبی)، تناقض در اخبار با توجه به مطالب آثار و مقایسه تطبیقی با منابع دیگر، تکرار اخبار و عبرت آموزی در اخبار می باشد. بخش پایانی پایان نامه به نتایج و دستاوردهای پژوهش و معرفی مآخذ خواهد پرداخت.

امیدوارم پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته و در روشن کردن گوشه هایی از تاریخ این دوران موثر واقع شود.

در پایان بخش مقدمه بر خود واجب می دانم، حق سپاس شاگردی رانسبت به اساتید بزرگوار ادا نمایم. از جناب آقای دکتر مهدی فرهانی منفرد که در تمامی مراحل کار، از نوشتن طرح اولیه تا پایان یافتن پژوهش با بیان نظرات ارزشمند خود مرا یاری کردند. همین طور از مساعدت و راهنمایی های دکتر عبدالله عطایی و دکتر اسماعیل حسن زاده کمال تشکر را دارم.

فصل اول: مبانی تحقیق

۱-۱- مسئله پژوهش:

غیاث الدین بن همام الدین مشهور به خواند میر (د: ۸۸۰/۱۴۷۵، و: ۹۴۲/۱۵۲۵) از مورخین اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی است. این مورخ را نمی توان به دوران صفوی نسبت داد بلکه از تربیت شدگان مرکز علمی و ادبی هرات در دوره تیموریان و از نتایج آرامش اوضاع آن شهر در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا است. زندگی خواندمیر را می توان به سه دوره تقسیم کرد :

مرحله اول: خواندمیر در سال ۱۴۷۵/۸۸۰ در هرات متولد شد و تحت تربیت جد مادریش میر خواند قرار گرفت. از جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و در سال ۱۴۹۸/۹۰۴ مورد توجه و محبت امیر علیشیر نوایی قرار گرفت. در حکومت بدیع الزمان میرزا به منصب صدارت نائل شد و در ماموریت های سیاسی شرکت داشت. تصرف هرات را به دست شیبانی ها شاهد بود و در دوره محمد زمان میرزا مسئولیت های دیوانی بر عهده داشت.

مرحله دوم: در درگیری شاه اسماعیل با اوزبکان خواندمیر در هرات ساکن بود. از سال ۹۱۲-۱۵۰۶/۹۱۳-۱۵۰۷ که هرات به اوزبکان تسلیم شد تا سال ۱۵۱۰/۹۱۶ که شاه اسماعیل صفوی هرات را تصرف کرد، خواندمیر در تمامی این مدت در هرات باقی ماند. امیر غیاث الدین

محمد بن امیر یوسف که صدارت ایالت خراسان را بر عهده داشت، خواند میرا به نوشتن کتاب حبیب السیر تشویق کرد. همین‌طور وزارت حبیب‌الله ساوجی را در خراسان شاهد بود و با مرگ وی بدلیل اینکه حامی خود را از دست داد از هرات کوچ کرد.

مرحله سوم: در سال ۱۵۲۷/۹۳۴ با دعوت بابره هندوستان رفت و در شهر اگره ساکن شد و بپراز او دعوت به نوشتن کتاب تاریخی کرد و در عهد جانشین وی، همایون مورد توجه دولت گورکانیان هند واقع شد. وفات خواندمیر در سال ۱۵۳۵/۹۴۲ اتفاق افتاد.

به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که او در طول زندگیش حکومت‌های مختلفی را شاهد بوده و با حکومت‌های تیموریان هرات، اوزبکان، صفویان و تیموریان هند رابطه داشته است. خواندمیر رویدادهای زمان خود را مشاهده کرده و در برخی از این حوادث شرکت داشته است. با بررسی زندگی این مورخ جریان حوادث سیاسی و تلاش‌های حکومتگران و دیدگاه‌های حاکم بر جامعه را بهتر می‌توان شناخت. تالیفات خواندمیر در زمینه‌های مختلف می‌باشد که عبارتند از: *مآثر الملوک* در مورد مقررات مملکتی و سخنان حکیمانه پیامبران و پادشاهان تا روزگار سلطان حسین بایقرا، *خلا* / *الخبار* در مورد توصیفی از هرات، روحانیان و دانشمندان دوران سلطان حسین بایقرا، *دستور الوزرا* در مورد شرح وزیران دوران اسلامی تا پایان دوره تیموریان، *مکارم الاخلاق* در مورد زندگی امیر علیشیرنویسی، *نامه نامی* در مورد منشآت دیوانی خواندمیر و *قانون همایونی* یا *همایون نامه* که به بیان قوانین همایون در عصر حکمرانیش می‌پردازد. اما ارزشمندترین تالیف خواند میر کتاب *حبیب السیر فی اخبار بشر* می‌باشد، که به حوادث تاریخ قبل از اسلام و بعد از اسلام، حکومت‌های مغولان و تیموریان، پیدایش دولت صفوی و حوادث شاه اسماعیل تا نزدیک به مرگ وی پرداخته است. در تمامی این آثار خواندمیر به اوضاع سیاسی، نظامی و فرهنگی در نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم توجه داشته است که در منابع دیگر ذکر نشده است.

با توجه به اینکه خواندمیر دارای تالیفات و آثار متعددی است و پیوند سیاسی و مذهبی با حکومت‌های مختلف داشته، این پایان‌نامه درصداست زندگی خواند میر را در طول حکومت‌های تیموریان هرات، صفویه و تیموریان هند مورد بررسی قرار دهد و تحول تاریخنگاری خواندمیر را در ارتباط با شرایط سیاسی زمانه‌اش باز نمایاند. تاثیر تکاپوهای سیاسی خواندمیر را بر تاریخنگاری او و همچنین آثار، روشها و ویژگی‌های تاریخنگاری وی را مورد بررسی و تعمق قرار دهد. سوال اصلی پژوهش این است که: تحولات و شرایط سیاسی و فرهنگی دوران خواندمیر چه تاثیری در تحول تاریخنگاری وی داشته است؟ که شامل سه سوال زیر می باشد:

۱-۲- پرسش های پژوهش:

- ۱- زندگی و تکاپوهای سیاسی خواندمیر چه نقشی در تحول تاریخنگاری وی داشته است؟
- ۲- تحولات و شرایط سیاسی دوران خواندمیر چه تاثیری در تحول تاریخنگاری وی داشته است؟
- ۳- تحولات و شرایط فرهنگی دوران خواندمیر چه تاثیری در تحول تاریخنگاری وی داشته است؟

۱-۳- فرضیات پژوهش:

- ۱- تکاپوهای سیاسی خواندمیر، از طریق گسترش ارتباط با حکومتگران عصر منجر به دریافت حمایت های سیاسی و در سایه آن رشد و تکامل تاریخنگاری وی شد .
- ۲- شرایط سیاسی دوران خواندمیر موجب آن شد که خواندمیر دربارهای حکومتی مختلف را درک کند و تنوع این شرایط سیاسی به تحول تاریخنگاری وی کمک کرد.
- ۳- ماهیت فرهنگی حکومت‌هایی چون تیموریان، بابریان و حمایت های آنان از خواندمیر موجب رویکرد ویژه خواندمیر به فرهنگ و رشد رویکردهای فرهنگی در تحول تاریخنگاری وی شد.

۱-۴- تعریف واژه های تحقیق

روش تاریخنگاری: (method of historiography)

روش در لغت نامه دهخدا به این معانی آمده است: طرز، طریقه، قاعده، قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، نسق، منوال، سبک، طریق، سنت، نمط، رسوم آیین، نهج وقاعده. (نک: لغت نامه دهخدا، ذیل ماده روش) تاریخنگاری عبارت از سیر تحول و تطور تاریخ، اندیشه برداشت گروه یا دوره خاص، توصیف منشا رشد و یا انحطاط صور بیان ادبی به کاررفته در ارایه مواد تاریخی می باشد. (روزنتال، ۱۳۶۶، ۵) به عبارتی توصیف مکتوب اعمال انسان را به هر روش و مبتنی بر هر مکتب، رعایت هر شیوه و تنظیم را می توان تاریخنگاری نامید. که در معنای خاص بر ثبت وقایع و احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می گردد. عامل متغیر در فن تاریخنگاری انگیزه ها و اهداف، فواید یا علل غایی تاریخنگاری است. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۸۶، ۱۱) همین طور می توان گفت: ۱- حاصل نوع نگاه و فهم مورخ از آن چه که از تاریخ در می یابد و نه اجزای سخن او یا گزارشهایی که ثبت می کند ۲- آن چه را که جامعه و مخاطبان زمانه او تاریخ می شناسند ۳- کوششی برای انتقال یک فهم از سوی مورخ بر مخاطبان خود. (غلامحسین زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ۸۳-۸۴)

در این پژوهش منظور از روش های تاریخنگاری چگونگی صورت تالیف و نقل مطالب تاریخی به لحاظ شکلی و محتوایی است. لذا به معرفی روش هایی خواهد پرداخت که خواندمیر به لحاظ اوضاع سیاسی و فرهنگی زمان خود (حوادث سال های ۸۷۳ ه.ق - ۹۴۰ ه.ق) در آثرش به کار برده است.

۱-۵- اهداف پژوهش و ضرورت آن :

در دوره تیموریان در مکتب هرات منشیان و نویسندگان متعددی وجود داشتند اما غیاث الدین خواند میر هروی از مورخینی است که با حکومت های مهم مثل تیموریان هرات، صفویه و

تیموریان هند ارتباط داشته و خود دارای مناصب دیوانی در نزد کسانی مثل سلطان حسین بایقرا، بدیع الزمان میرزا، محمد خان شیبانی، محمد زمان میرزا، ظهیر الدین بابر و همایون بوده است. بنابراین با بررسی زندگی و آثار او بهتر می‌توان جریانهای سیاسی و تلاشهای سیاستمداران و اهل فرهنگ را درک کرد. این پژوهش برای شناخت بهتر این مورخ و دوره‌ای که در آن زندگی می‌کند ضروری به نظر می‌رسد.

هدف این پایان‌نامه این است که با توصیف و تحلیل زندگی خواند میر و توصیف محتوایی آثارش جایگاه وی را در تاریخنگاری اواخر قرن نهم و نیمه اول قرن دهم روشن سازد.

۱-۶- روش تحقیق

چون تکیه اصلی پژوهش بر زندگی خواندمیر و آثار وی قرار دارد، روش تحقیق این پژوهش در دو بخش قابل توضیح است: الف) روش گردآوری اطلاعات که روش کتابخانه‌ایست و طی آن با گردآوری منابع از کتابخانه‌های کشور، از آنها به صورت روشمند و علمی یادداشت برداری خواهد شد. ب) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات که روش تاریخی خواهد بود. روش تاریخی دارای سه خصوصیت توصیفی، تحلیلی و مقایسه‌ای است که به صورت هم‌زمان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در این پژوهش مولف سعی خواهد کرد تنها به گرد آوردن و کنار هم قرار دادن مطالب تاریخی بسنده نکند و با طرح پرسشهای مختلف به درک علل احتمالی وقایع نزدیک شود. اجباراً بخشی از این تحقیق توصیفی است، اما تلاش نگارنده این خواهد بود که درنهایت رویکرد تحلیلی داشته باشد.

۱-۷- پیشینه پژوهش:

پژوهشی به صورت مستقل و همه جانبه در مورد زندگی و روش تاریخنگاری خواندمیر صورت نگرفته است و پژوهشهای مختصری که وجود دارند به معرفی اجمالی زندگی این مورخ و آثار وی پرداخته‌اند. که در ادامه به معرفی آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱- *رجال کتاب حبیب السیر*: تالیف عبدالحسین نوایی، موضوع اصلی شرح رجال کتاب *حبیب السیر* است. در مقدمه شرح حال دقیقی از زندگی و آثار خواندمیر وجود دارد. این اثر حاوی مطالب ارزنده و مفید درباره زندگی و آثار خواندمیر است، که در تدوین پایان‌نامه یاری‌رسان خواهد بود.

۲- *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*: تالیف مهدی فرهانی منفرد، این کتاب در ارتباط با شناخت اوضاع سیاست و فرهنگ قرن نهم و دهم هجری در ایران است. از فصل هفتم تا یازدهم به بررسی زندگانی، آثار، جایگاه علمی و فرهنگی نخبگان فرهنگی آن دوران اختصاص یافته است. فصل دهم به چهارمین نخبه فرهنگی دوران تیموری، صفوی اختصاص دارد که غیاث الدین خواند میر هروی می‌باشد. در این فصل زندگی خواندمیر، آثار و آفرینش‌های ادبی و تاریخی خواند میر، روش و بینش خواندمیر در نگارش تاریخ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در بخش زندگی خواندمیر نکات ارزنده‌ای مطرح شده است که همراه با تحلیل می‌باشد اما نیاز به بررسی و تعمق بیشتر دارد. بینش و روش تاریخنگاری او نیز کمتر بحث شده است و بیشتر در ارتباط با دولت تیموریان هرات مطرح گردیده است. از این کتاب در تدوین پایان‌نامه استفاده خواهد شد.

۳- *مکتب تاریخنگاری عصر صفوی با تاکید بر نیمه اول / این دوره*: تالیف محمد باقر آرام، در این کتاب که رساله دکتری وی می‌باشد از دیدگاه فلسفه تاریخ به بیان دیدگاه‌های مورخین دوره صفوی می‌پردازد. پس از بیان مقدماتی طولانی در مورد مفهوم تاریخ و تاریخنگاری قبل از عصر صفویه تنها بخش مختصری به بررسی اندیشه تاریخنگاری صفویه اختصاص داده شده که آن هم، در واقع بدون بررسی جریان‌ات سیاسی و فرهنگی موجود در جامعه بوده است. در مورد خواندمیر به بیان فلسفه تاریخ او در کتاب *حبیب السیر* فی اخبار افراد بشر پرداخته و به کتابهای دیگر او توجهی نداشته است. به دلیل اینکه دوره مورد بررسی وی صفویه می‌باشد.

۴- تاریخ نویسی در روزگار شاه عباس صفوی : تالیف شعله کوپین، ترجمه دکتر منصور صفت گل، نویسنده در این کتاب دیباچه های متون عصر صفوی از دوره شاه اسماعیل تاشاه عباس اول را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که مورخان به هنگام نگارش رویدادهای قبل از خود از روش گزیده برداری استفاده کرده اند و بسیاری از مورخان دوره صفوی در نگارش رویدادهای قبل از زمان خود از تاریخ حبیب السیر استفاده کرده اند. مواردی مانند مقدمات کتاب، نسب و مشروعیت بیان و از توصیفات بخش های دیگر صرف نظر کرده است. بخش اصلی کتاب بیان گزارش تاریخ نویسی دوران شاه عباس اول است.

۵- کتاب و کتابخانه در عصر تیموری : تالیف غلامرضا امیر خانی، در این رساله به بررسی کتابخانه های عصر تیموری، حامیان و مشوقان آن پرداخته و در فصلی به زندگی خواند میر پرداخته است و ارتباط او را با امیر علیشیر نوایی مطرح کرده است.

6-Encyclopedia of Islam, Second edition. s.v. "Khawndmir"

بورج در مقاله خواندمیر به شرح مختصری از زندگی، آثار و تاریخنگاری وی اشاره می کند او را نویسنده ای بی طرف می داند و از نکات جالب تالیفات وی توجه به شرح فرهنگمداران در کنار ذکر حوادث و رویدادهای سیاسی می داند که این نو آوری بوسیله نویسندگان دوره صفوی تقلید شده است. ارزش تاریخی آثار وی را در این می داند که شاهد نزدیک رویدادهای مهمی چون تجزیه قدرت تیموریان، درگیری با اوزبکان و فتح خراسان بوسیله صفویان بوده است.

۷- نقد و نظری در باب تاریخ نویسی میر خواند و خواندمیر : تالیف حکیمه امیری، در این مقاله ابتدا به شرح مختصر زندگی میرخواند و سپس خواند میر اشاره شده است و سبک تاریخ نویسی این دو مورخ از نظر منابع مورد استفاده، استفاده از اشعار، آیات قرآن مقایسه شده است.

۸- مقاله عبدالحی حبیبی با عنوان خواند میر مورخ هروی (۱۳۴۴)، تاریخ نویسی در هند و پاکستان آفتاب اصغر، محمد ریاض تاریخ نویسی در عهد تیمور و تیموریان (۱۳۴۸)، کتاب عبدالحسین زرین کوب تاریخ ایران بعد از اسلام، یعقوب آژند تاریخنگاری در ایران، جهانبخش

ثواقب تاریخنگاری عصر صفویه، محمد تقی بهار سبک شناسی، تاریخ ادبی ایران ادوارد براون،
تاریخ ادبیات ایران ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران رضا زاده شفق. در آثار فوق نکته تازه‌ای
مشاهده نمی‌شود.

از آن جاکه در فصل های چهارم و پنجم به بررسی و نقد آثارخواندمیر پرداخته شده،
نگارنده از تکرار آنها در قسمت نقد منابع صرف نظر کرده است.

فصل دوم: تحولات و شرایط سیاسی دوران خواندمیر

غیاث الدین خواندمیر مورخ مشهور قرن نهم و دهم ه.ق هم‌زمان با چهار حکومت تیموریان هرات شیانیان، صفویان و تیموریان هند بود. با عنایت به این که وی با این حکومت‌ها و حکومتگران آن‌ها ارتباط سیاسی داشته، مختصری از اوضاع و شرایط سیاسی این دوران در این بخش گفته می‌شود.

۲-۱- تیموریان هرات

در اواخر قرن هشتم هجری در حالی که حکومت‌های منطقه‌ای مختلف در گوشه و کنار ایران سرگرم منازعه با هم بودند، کشور ما با یورش تازه‌ای از سوی ماوراءالنهر مواجه شد. این یورش که یادآور حملات چنگیز خان بود، به سرکردگی تیمور انجام شد. وی نخستین حکمران سلسله‌ای بود که به نام او تیموری یا گورکانی نامیده می‌شد. (حک: ۷۷۱-۸۰۷ / ۱۳۶۹-۱۴۰۵) او با نبوغ نظامی توانست تمامی قلمرو ایران را تصرف کند و حتی در صدد گسترش امپراطوری خود به مرزهای چین باشد. اما در منطقه اترار مرگ امانش نداد. (بزدی، ۱۳۳۶، ۴۵۱-۴۶۹) تیمور برای مشروعیتش خود را امیر و منتسب به چنگیز خان کرد و با تعیین یک خان دست‌نشانده ادعا نمود که به نمایندگی از جانب وی حکومت می‌کند. تیمور بعدها نیز نتوانست خود را از مشروعیت حکومت جغتائیان خارج کند. در سراسر زندگیش یک فرمانده جغتایی را به عنوان

فرمانروای ظاهری پذیرفته بود. (بارتولد، بی تا، ۱۰۱) البته انتساب به مغولان تا اواخر دوره تیموریان ادامه داشت. در کتاب رو *الصف* آمده است:

«بی شایبه اشتباه خاقان منصور هم از جانب پدر و هم از طرف مادر، خلاصه دودمان سلاطین صاحبقران و نقاوه خواقین کشورستان بود، زیرا که والد خجسته آثارپسندیده اطوار آن خسرو سلطان غیاث الدین منصور بن امیرزاده، بایقرا بن امیرزاده، بایقرا بن میرزا عمر شیخ بهادر بن امیر تیمور گورکان است، والده سلطان غیاث الدین منصور، قتل سلطان بیگم بنت امیرزاده علی بن میرزا اسکندر بود که به سه واسطه به چنگیز خان می‌رسد.» (میرخواند، ۱۳۸۰، ۵۶۵۲/۷)

تیمور تشکیلات حکومتی خود را بر طبق اصول یاسا سازماندهی کرد. در عصر وی علمای اسلام نیز در پیروی از یاسا به تیمور اقتدا می‌کردند. (حیدر، ۱۳۸۴، ۹۷) البته این مسئله به مفهوم وابستگی حکومت تیموری به خان مغول نیست. تیمور تمامی امور مملکت خود را پیش می‌برد. خزانه و سپاه که ابزار واقعی قدرت یک پادشاه اند تحت نظارت خود تیمور بودند. (همو، ۱۰۶) وی در معامله با قدرت‌های خارجی نیز مانند یک پادشاه یا حکمران مقتدر عمل می‌کرد. در نامه‌های خود به سلطان عثمانی و حاکم عراق ادعا می‌کرد که از طرف خدا بر سر آن‌ها برگزیده شده و می‌خواهد شاهان ظالم و مستبد را از سر راه بردارد. (همو، ۱۰۸) البته در دوران وی دیوانسالاران ایرانی از قدرت چندانی برخوردار نبودند. اما امرای جغتایی بر تشکیلات مالی نظارت داشتند. (فوربز منز، ۱۳۸۴، ۲۷)

تیمور پس از مرگش امپراطوری وسیعی را به ارث گذاشت لیکن از آن جا که برنامه دقیقی برای جانشینی وجود نداشت لذا وحدت این امپراطوری بی‌درنگ متلاشی شد. مناطق تحت قلمرو تیمور در اختیار جانشینانش قرار گرفت. به طوری که خلیل سلطان که به جانشینی